

Lived Experiences of Working Women Concerning Marital Relationship as Marital Doubled Suffering

Dehghanizadeh HA¹, *Fallah MH², Vaziri S³

Author Address

1. Ph.D. Candidate in Counseling, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran;

2. Associate Professor of Psychology and Educational Sciences, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran;

3. Assistant Professor of Educational Sciences, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

*Corresponding Author Email: Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

Received: 2019 July 9; Accepted: 2019 August 4

Abstract

Background & Objectives: Considering complexities in social relations and changes in the structure of society, the family system has shifted from tradition to modernity. Women's outside-house employment is also among the attributes of modernity. Women's participation in the global workforce is on the rise. The occupational and marital role interference present women with the challenges of performing a double role. Investigations on the increasing women's employment highlighted some disadvantages that afflict children; however, its consequences on marital relationships mostly remain overlooked. The present study investigated the psychological dynamics of women's employment in their marital life. This study aimed at discovering working women's life experiences to accurately identify their experiences in marital life.

Methods: This study used an interpretive paradigm based on which the qualitative methodology was selected. Based on research questions and objectives, the grounded theory method was used in this research. The significance of this methodology lies in its theorizing capability as well as facilitating qualitative data analysis. Based on the theoretical sampling approach, the researcher selected 14 married women working in the Welfare Organization in Yazd City, Iran, from 2018 to 2019. Moreover, we employed an extensive and semi-structured interview to collect the required data. The sampling process continued to reach theoretical saturation; accordingly, data collection and analysis were performed simultaneously. The inclusion criteria of the study were as follows: women working; being married; having children, and at least two years of marriage. Unemployed, single, and childless women were excluded from this research. In this study, open coding and axial coding methods were used to analyze the obtained data. Initially, the researchers precisely transcribed the interviews. Consequently, these data provided an overview of the logic of the interviews. Then, the coding process was conducted. To achieve reliability, we used external peer review and verification partners. The researchers then presented the obtained results to 5 of their colleagues with experience in fieldwork and qualitative research and seek their opinion on the validation of their data. Additionally, in this process, we reviewed several categories and concepts. Thus, the researchers validated the research by presenting the achieved results to 4 individuals. Moreover, following the approval of the study participants as well as the principles and points of the interview, the complete registration of the events, and accurate implementation, the reliability was confirmed.

Results: The study findings were presented through careful study of the research interview transcriptions, the main propositions, concepts, and main categories; eventually, the core category was established in a long, precise, detailed, and conceptual process. Consequently, this study included 45 concepts, 16 main categories, including unhappiness, biopsychological discomfort, the lack of empathy, marital doubled suffering, inequity, sexual dissatisfaction, the rejection of fun, unbalanced responsibilities, role conflict, others' expectations, responsibility management, emotional responsiveness, job consensus, marital recognition, positive interaction, time adjustment, and satisfaction, as well as one core category, titled as "the marital doubled suffering".

Conclusion: Some working women could use positive strategies with favorable consequences, such as emotional responsiveness and positive interaction. Overall, the obtained results indicated double marital suffering in the target community.

Keywords: Women's employment, Work-Life balance, Work-Family conflict, Doubled suffering.

رنج مضاعف زناشویی: کاوشی کیفی در تجربه زیسته زنان شاغل از رابطه زن و شوهری

حسینعلی دهقانی زاده^۱، *محمدحسین فلاح^۲، سعید وزیری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۸ تیر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳ مرداد ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: در بررسی اشتغال روزافزون زنان توجه ما بیشتر به زبان‌هایی است که دامن‌گیر کودکان می‌شود؛ ولی به پیامدهای این وضعیت بر روابط زناشویی کمتر توجه می‌کنیم. هدف از پژوهش حاضر کشف و کاوش تجربه‌های زیسته زنان شاغل در بهزیستی برای شناخت عمیق تجربه آنان از زندگی زناشویی بود.

روش بررسی: روش‌شناسی پژوهش حاضر روشی کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای بود. پژوهشگران برپایه نمونه‌گیری نظری ۱۴ نفر از زنان متأهل شاغل در بهزیستی استان یزد را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ انتخاب کردند و با آن‌ها مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام دادند. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. در این مسیر، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها هم‌زمان پیش رفت. در پژوهش حاضر از کدگذاری باز و محوری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. پژوهشگران در آغاز به‌طور دقیق چند بار متن مصاحبه‌ها را به‌طور کامل خواندند. این کار موجب شد که پژوهشگران نمایی کلی از متن کامل و منطق کلی مصاحبه‌ها داشته باشند. سپس فرایند کدگذاری انجام شد.

یافته‌ها: با بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها، گزاره‌های اصلی، مفاهیم، مقوله‌های اصلی و درنهایت مقوله مرکزی در فرایندی طولانی، دقیق، جزئی و مفهومی ارائه شد؛ درنتیجه این پژوهش شامل ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی شد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، اگرچه بعضی از زنان شاغل توانسته‌اند از راهبردهای مثبت بهره ببرند که پیامدهای مثبتی را همچون پاسخ‌گویی عاطفی و تعامل مثبت به‌همراه داشته است، درکل نتایج نشان‌دهنده رنج مضاعف زناشویی در جامعه هدف بوده است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان، تعادل کار-خانواده، تعارض کار-خانواده، رنج مضاعف.

یکی از مراکز که کارکنان شاغل در آن با استرس زیادی مواجه‌اند، مراکز بهزیستی است. این استرس در صورت تداوم باعث کاهش ویژگی مثبت روان‌شناختی و افت سلامت و بهزیستی روان‌شناختی می‌شود (۱). ایفای هم‌زمان نقش‌های خانگی و اجتماعی به دلیل ناهمخوانی بسیاری از مشاغل اجتماعی با ویژگی‌های زنانه و نیز به دلیل فشار ناشی از این دو فعالیت زنان را آسیب‌پذیر می‌کند (۲). برخی پژوهش‌های میدانی نشان داده‌اند، زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار بیشتر اضطراب دارند که این وضع ناشی از تعدد نقش‌ها است. زنانی که نقش کارمند را با نقش‌های زناشویی و خانوادگی ترکیب می‌کنند، بیشتر از مردان دچار افسردگی می‌شوند. از سویی دیگر فشار عصبی ناشی از تعدد نقش‌ها زمینه پیشرفت در عرصه‌های شغلی را برای زنان محدود می‌کند (۳). تحقیقات نشان می‌دهد که کوتاهی در دستیابی به تعادل صحیح بین کار و خانواده منجر به احساس فقدان کنترل و کاهش انرژی برای انجام تعهدات خانوادگی و زناشویی خواهد شد. نبود تعادل منجر به خستگی و عملکرد ضعیف و کاهش کیفیت رابطه زناشویی می‌شود (۴). تحقیقات در زمینه تعادل کار و زندگی نشان می‌دهد که بسیاری از افراد در ایجاد هماهنگی نقش‌های خاص در زندگی کاری و خانوادگی مشکلاتی را تجربه می‌کنند (۵). وضعیت زنان دارای فعالیت در خارج از خانه در مقایسه با مردان با تفاوت‌هایی همراه است و اصولاً نشان می‌دهد، زنان با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند و سبک زندگی زناشویی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه این موضوع نمود بیشتری دارد (۶). مرادزاده و پیرخانی در پژوهشی نشان دادند که میزان رضایت زناشویی کارکنان متأهل بهزیستی کم است و از طریق درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به افزایش رضایت‌مندی زناشویی کارکنان بهزیستی پرداختند (۱). اردامار و دمیرل در پژوهشی با بررسی تعارض کار-خانواده در میان معلمان در نمونه‌ای ۳۶۴ نفری نشان دادند که خستگی فیزیکی و ذهنی در محل کار، مسئولیت در خانه را دشوار می‌سازد و مشکلی که در مواجهه با کار به‌وجود می‌آید، باعث ایجاد تنش در خانه می‌گردد؛ علاوه‌براین معلوم شد که معلمان زن تعارض کار-خانواده را بیشتر تجربه می‌کنند (۷). فانگ در پژوهشی فرسودگی شغلی و تعارض کار-خانواده را در میان پرستاران چینی بررسی کرد. نتایج نشان داد، نمرات درگیری کار به خانواده بیشتر از درگیری خانوادگی به کار است (۸). سیتمین و همکاران در مطالعه‌ای کیفی به ارزیابی تعارض بین نقش‌های کاری و خانوادگی در میان والدین دارای فرزند با اختلال اوتیسم در مالزی پرداختند. نتایج مشخص کرد که تعادل برقرارکردن بین نقش‌های خانوادگی و نقش‌های شغلی بسیار چالش‌برانگیز است. همچنین نتایج نشان داد، حمایت اطرافیان در کاهش تعارض کار-خانواده بسیار مؤثر است (۹). فراهانی و همکارانش در پژوهشی عنوان کردند، بین متغیرهای مدت خدمت کاری و ساعت کار و متغیر رضایت‌مندی جنسی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد (۱۰). ماتیلان-سانتاندر و همکاران در پژوهشی با بررسی نگرش کارگران اتحادیه اروپا به شرایط کاری نشان دادند که بین رضایت از ساعت کاری و تعادل کار-زندگی رابطه معناداری دیده می‌شود؛ همچنین ساعت کاری بیش‌ازحد منجر به

نارضایتی می‌گردد (۱۱). از مؤلفه‌های مهم در رضایت زناشویی زنان شاغل، نقش ویژگی‌های شخصیتی همسر و میزان حمایت اطرافیان است؛ همچنان‌که زنجانی و باقیات اصفهانی در پژوهش خود نشان دادند، بین میزان همکاری همسر و میزان رضایت‌مندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد (۱۲). در زمینه رضایت خانوادگی و زناشویی، تورلیک و بولیگا در پژوهشی به بررسی رضایت شغلی-خانوادگی و فرایندهای تقویت کار-خانواده پرداختند. نتایج مشخص کرد که افزایش در سطح رضایت خانوادگی با سطح زیادی از تعاملات مثبت بین دو نقش کار و خانواده مرتبط است (۱۳). همچنین در زمینه رضایت زناشویی و شغل، نتایج پژوهش‌ها باهم متناقض است. طبق گفته‌های ژائو و همکاران اشتغال تأثیری بر رضایت زناشویی نمی‌گذارد (۱۴). گیرن هاس و پوول نیز به نتایج مشابهی دست یافتند (۱۵)؛ اما یانچوس و همکاران به نتایج متفاوتی رسیدند. آن‌ها دریافتند که اشتغال بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد (۱۶). عباسی اسفنجیر و امیری موسوی در پژوهشی نشان دادند، بین استرس شغلی و سازگاری زناشویی رابطه منفی وجود دارد (۱۷). همچنین بابائی گیوی و همکارانش در پژوهش خود عنوان کردند، زنان شاغل در دل‌زدگی زناشویی در بُعد روانی با زنان غیرشاغل دارای تفاوت معناداری هستند؛ ولی در مؤلفه دل‌زدگی عاطفی و جسمی تفاوت معناداری ندارند (۱۸)؛ بنابراین باتوجه به اینکه زنان شاغل با چالش تعدد نقش و وظایف مواجه هستند و این موضوع درباره شاغلان در بهزیستی به دلیل روبه‌روبودن با افراد دارای معلولیت و آسیب‌پذیر، از اهمیت بسزایی برخوردار است و احتمالاً در روند زندگی زناشویی آن‌ها اثرات بیشتری خواهد گذاشت، همچنین از آنجاکه در پژوهش‌های پیشین به درک تجارب زیسته زنان شاغل در بهزیستی بر زندگی زناشویی پرداخته نشده است، محققان این پژوهش بر آن شدند با استفاده از روش کیفی و به‌کارگیری مصاحبه‌های عمیق به چالش‌های فرا روی زنان متأهل شاغل در بهزیستی یزد بپردازند. در این مسیر آن‌ها تلاش کردند تا باورهای بنیادی ذهنی زنان شاغل را از زندگی زناشویی به‌طرز دقیق و جزئی کشف و مشخص نمایند که این دوگانگی نقش و ارائه خدمات به معلولان و افراد ناتوان برای آن‌ها در رابطه زناشویی چه معنا و مفهومی دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف درک تجربه زیسته زنان شاغل در بهزیستی از رابطه زن و شوهری انجام شد.

۲ روش‌بررسی

روش‌شناسی پژوهش حاضر برپایه پارادایم تفسیری طرح‌ریزی شد که برپایه این پارادایم روش‌شناسی کیفی به‌کار رفت. در این میان، برپایه پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و هدف‌های پژوهش، از روش کیفی نظریه زمینه‌ای استفاده شد (۱۹). اهمیت این روش‌شناسی از یک‌سو به شایستگی آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی است. این روش در پی دستیابی به سطحی بیشتر از توصیف یعنی به دنبال تولید یا کشف نظریه است. این توصیف شامل آنچه آن‌ها تجربه کرده‌اند و چگونگی تجربه آنان می‌شود. نمونه‌گیری پژوهش حاضر برپایه نمونه‌گیری نظری انجام شد. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش عبارت بود از: ۱. زنان شاغل در بهزیستی یزد باشند؛ ۲. متأهل باشند؛ ۳. دارای فرزند باشند؛ ۴. دست‌کم دو

همکارانشان که تجربه کار میدانی و پژوهشی به شیوه کیفی داشتند، ارائه کردند و درباره اعتبار بخشی داده هایشان از ایشان پرسیدند. همچنین در فرایند این مسئله، شماری از مقوله ها و مفهوم ها را بازبینی کردند. به علاوه در این راه پژوهشگران با ارائه نتایج پژوهش به چهار نفر و با بهره گیری از راهبرد تأیید شرکت کنندگان به این پژوهش اعتبار بخشیدند و با رعایت اصول و نکته های مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده سازی دقیق اتکا پذیری تأیید شد.

پیش از آغاز مصاحبه درباره مسائل اخلاقی با مصاحبه شوندگان گفت و گو شد؛ درباره اینکه نام و نشانی از آنها فاش نخواهد شد و همه نام ها به صورت مستعار خواهد بود؛ همچنین مصاحبه شوندگان حق داشتند به پرسش هایی که آنها را معذب می کند، پاسخ ندهند؛ به علاوه به آنها اطمینان داده شد کسی جز پژوهشگران مجاز به شنیدن و خواندن مصاحبه ها نیست و پس از تحلیل، مصاحبه ها از میان برده خواهد شد. در جدول ۱ ویژگی های دموگرافیک مصاحبه شوندگان آمده است.

جدول ۱. ویژگی های فردی مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	نام مخفف	شغل	سن	سال های گذشته از ازدواج	شغل همسر	شمار فرزند
۱	ح. ر.	شاغل در بهزیستی	۴۳	۱۸	کارمند	۳
۲	ن. د.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۱۷	کارمند	۲
۳	ف. ه.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۱۵	بازنشسته فرهنگی	۲
۴	ف. ر.	شاغل در بهزیستی	۳۴	۸	کارمند	۱
۵	ب. ا.	شاغل در بهزیستی	۳۴	۱۱	کارمند	۱
۶	ی. ت.	شاغل در بهزیستی	۳۶	۱۰	کارمند	۱
۷	ز. م.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۲۴	بازنشسته فرهنگی	۴
۸	ن. گ.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۶	پزشک	۲
۹	م. ن.	شاغل در بهزیستی	۳۷	۱۰	آموزگار	۱
۱۰	ا. س.	شاغل در بهزیستی	۳۹	۱۷	کارمند	۲
۱۱	م. ت.	شاغل در بهزیستی	۳۸	۱۴	آزاد	۲
۱۲	ن. ش.	شاغل در بهزیستی	۳۲	۸	کارمند	۱
۱۳	ش. ه.	شاغل در بهزیستی	۴۴	۱۸	آزاد	۳
۱۴	م. ک.	شاغل در بهزیستی	۳۷	۱۳	کارمند	۲

جدول ۲ این پژوهش از ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی ساخته شده است. یافته های تحقیق در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه خواهد شد.

۳ یافته ها

با بررسی دقیق متن مصاحبه های تحقیق، گزاره های اصلی، مفاهیم، مقوله های اصلی و در نهایت مقوله مرکزی، ارائه شد؛ در نتیجه، مطابق

جدول ۲. گزاره ها، مفهوم، مقوله های اصلی و مرکزی مربوط به رنج مضاعف زناشویی در تجربه زیسته زنان شاغل از رابطه زن و شوهری

گزاره	مفهوم	مقوله اصلی	مقوله مرکزی
من وقتی مددجویی دارم که مسائل خانوادگی داره، انرژی منفی ازش می گیرم. به بخشی از این انرژی منفی را می برم خونه.	انتقال انرژی منفی از کار با مددجو به منزل	فقدان نشاط	رنج مضاعف زناشویی
به رابطه با همکارش مشکوک می شم. نکته اونم داره من را گول می زنه.	بدبینی به همسر ناشی از مشکلات مددجویان		
مثلاً به مددجوی بددهن واژه زشتی به کار می گیره. بالاخره ممکنه یک زمانی ازش استفاده کنم.	انتقال کلام منفی مددجویان به همسر		

کاهش انرژی برای گذران وقت کیفی با همسر	وقتی انرژی نداری تو رابطه هم نمی‌تونی انرژی بذاری.
کاهش ارتباط عاطفی با همسر ناشی از خستگی کار با مددجو	وقتی من خسته‌ام ارتباط عاطفی و کلامی مثبت با همسر ندارم.
کاهش شادی ناشی از خستگی ذهنی و روانی	چون ذهنم و روحم خسته است نمی‌تونم احساس شادی کنم.
پرخاشگری با همسر ناشی از مشکلات مددجویان	صبح هم که بلند می‌شم عصبانی هستم.
زودرنجی در رابطه با همسر ناشی از کار با مددجویان	تحریک‌پذیر شدم، زودرنج شدم، زود به من برمی‌خوره.
اضطراب و استرس بابت مسائل کاری شیرخوارگان	می‌گم پرستار بچه‌های شیرخوار یک‌دفعه خواب نره. نکنه سهل‌انگاری کنند.
مشکلات جسمانی ناشی از مراقبت از شیرخوارگان	استرس و اضطراب شبانه‌روزی تو محیط شیرخوارگاه باعث فشارخون شده برام.
دغدغه عاطفی و روانی ناشی از مراقبت از شیرخوارگان	تو محیط شیرخوارگاه شرایط سختی هست، از لحاظ روحی و روانی ذهنم درگیره.
قدرشناسی	می‌گه تو چکار می‌کنی پول تو چه کمک آنچنانی کرده به ما.
استفاده ابزاری از شغل زن برای فرار از مسئولیت‌ها	اون لحظه او می‌گه نرو سر کار. یک‌بار هم اتفاق افتاد همین جور چیزی بحث شد؛ اگر بحث پولش را بکنی که حتماً نمی‌ذاره بری سر کار اصلاً نباید بگم.
عدم همدلی	من خیلی به کمک احتیاج دارم که یکی بهم کمک کند؛ یکی ظرف‌ها را بشوره یکی به بچه‌ها درس بده. من خیلی خسته می‌شم.
فشار روانی در برابر وظایف رنج همسر ناسپاس	بله فشار می‌آید روی آدم. دیگه تحملش تموم می‌شه.
غفلت از نیازهای همسر	سر کار هم نرو. هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شه؛ این مهم‌ترین چالشیه که داریم.
باج‌دادن	به‌هرحال حواسم به یک‌سری از نیازهای همسر نیست. بعضی وقت‌ها دلخوری پیش می‌آید و بعدش باید یه کارهایی انجام بدی که دوست نداری تا این دلخوری ترمیم بشه.
اعتراض شوهر به شغل زن	یه‌متلکی هم می‌گفت؛ چه عجب تشریف آوردید.
قرارگرفتن در موقعیت‌های نابرابر	وقتی خودم را مقایسه می‌کنم، می‌گم همه‌اش دارم می‌دوم. تو خونه دارم می‌دوم. بیرون می‌دوم. سرکار وقتی خودمو مقایسه می‌کنم با همکارم می‌گم که واقعاً اینجا هم چقدر تبعیض هست.
شغل زن به‌عنوان دستاویزی برای بهانه‌جویی شوهر	بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم سر کار رفتن من یک‌نقطه ضعفی شده دست شوهرم که تا مشکلی پیش می‌آید می‌گه نرو سر کار.
تأثیر منفی بر روابط جنسی	اینکه آدم خسته هست خیلی روی روابط جنسیش تأثیر می‌ذاره.
نارضایتی جنسی	همیشه خودم را سرزنش می‌کنم که با این تعداد مسئولیت‌ها از قسمت رابطه جنسی کم می‌دارم.
تأثیر خستگی بر اوقات فراغت	ولی اکثر مواقع خسته بودم و نمی‌رفتم.
تأثیر منفی اشتغال بر تفریح	ما الان ۷ سال است که باهم ازدواج کردیم یک‌بار رفتیم سینما.
تعارض نقش	زمانی که به اتفاق همسر به منزل می‌آییم، اگر وسایل به‌هم ریخته باشد در آن لحظه عنوان می‌کند که ایرادی ندارد اما فردای آن روز می‌گوید چرا خانه به‌هم ریخته

است.	یک‌روز می‌که نرو سر کار. یک‌روز می‌که برو.	تناقض‌گویی
این برام دغدغه شده؛ هم مادرم هم همسر هستم هم شاغلم.	خیلی وقت‌ها موندم کارم را ادامه بدم یا نه.	دوراهی رفتن یا نرفتن سر کار
من باید با بچه‌ها بازی کنم یا کارها را انجام بدم یا اونا تکالیفشون را انجام بدهند.	ولی وقتی من میام، نفس راحت می‌کشه و بالشِت را برمی‌داره و می‌خوابه.	بیش مسئولیت‌پذیری زن شاغل
خانواده همسرم انتظاراتی دارند.	اونم از من خواسته‌هایی داره.	پذیرش حداقلی مسئولیت توسط شوهر
من درقبال شوهرم وظایفی دارم که باید تلاش کنم اون‌ها را حل کنم.	تو محل کار فکر این را دارم که کارهای منزل چی می‌شه.	مسئولیت درقبال چند نقش و تلاش برای حل آن‌ها
همسر حمایتگر خوبی دارم.	مادرشوهر من وقتی شوهرم مأموریت می‌رفتند، می‌اومدند اونجا خیلی کمک می‌کردند.	پشتیبانی همسر
ما اصلاً من و تویی نداریم.	ما اصلاً من و تویی نداریم.	پاسخ‌گویی عاطفی
الان فهمیدم که همسرم به تفریح نیاز داره.	بالاتر از این می‌فهمیدم که بتونم این روابط عاطفی را افزایش دهم.	توافق شغلی
رابطه‌ام با همسرم خوب هست و فکر می‌کنم همه را پوشش می‌دهد.	در مسائل مهم اقتصادی همسرم هر کاری بخواد انجام بده، نظر می‌گیره و مشورت می‌گیره.	آشنایی با نیازهای همسر
زمان مرخصی زایمان روابط عاطفی مون خیلی خیلی خوب شد.	به‌خاطر این هست که می‌بینم کار کمتر شده و اوضاع رابطه‌مون هم بهتر شده.	دستیابی به راه‌حل‌های جدید در روابط زناشویی
از دشواری‌هایی که بانوان شاغل با آن روبه‌رو هستند، عارضه‌های جسمانی و روانی است. آن‌ها از دید روانی با مسائلی همچون اضطراب مواجه می‌شوند و از لحاظ جسمانی دچار عارضه فشارخون و خستگی مفرط جسمی می‌شوند. بانوان شاغل باتوجه به اینکه نقش خانه‌داری و نیز نقش نان‌آوری را بر عهده دارند، از لحاظ روانی فشار مضاعفی را تجربه می‌کنند. یکی از مسائلی که آن‌ها را در رابطه زناشویی آزار می‌دهد، نبود درک و همدلی همسر است؛ برای نمونه ح. ر. گفت: «وقتی می‌گم من هم دارم کمک مالی می‌کنم، می‌که فکر کردی حالا چه	تأثیری داره. بشین تو خونه خودم توانایی پرداخت هزینه‌ها رو دارم.»	رضایت از رابطه با همسر
	در این بخش سعی شد جریان اصلی پژوهش که در جدول ۲ آمده است به‌طور خلاصه بررسی شود.	رضایت مثبت
	کارکردن با افراد دارای معلولیت و آسیب‌پذیر انرژی زیادی از زنان شاغل می‌گیرد که این موضوع باعث می‌شود آن‌ها در رابطه زناشویی از کمبود نشاط دچار رنج شوند؛ برای نمونه م. ک. گفت: «یک‌بخشی از انرژی من تخلیه شده و جاش انرژی نیست و برای همین نمی‌تونم شادی رو تو خونه ایجاد کنم.»	رضایت مندی
	از دشواری‌هایی که بانوان شاغل با آن روبه‌رو هستند، عارضه‌های جسمانی و روانی است. آن‌ها از دید روانی با مسائلی همچون اضطراب مواجه می‌شوند و از لحاظ جسمانی دچار عارضه فشارخون و خستگی مفرط جسمی می‌شوند. بانوان شاغل باتوجه به اینکه نقش خانه‌داری و نیز نقش نان‌آوری را بر عهده دارند، از لحاظ روانی فشار مضاعفی را تجربه می‌کنند. یکی از مسائلی که آن‌ها را در رابطه زناشویی آزار می‌دهد، نبود درک و همدلی همسر است؛ برای نمونه ح. ر. گفت: «وقتی می‌گم من هم دارم کمک مالی می‌کنم، می‌که فکر کردی حالا چه	تعدیل زمان و رضایت مندی

خط داستان

تأثیری داره. بشین تو خونه خودم توانایی پرداخت هزینه‌ها رو دارم.»

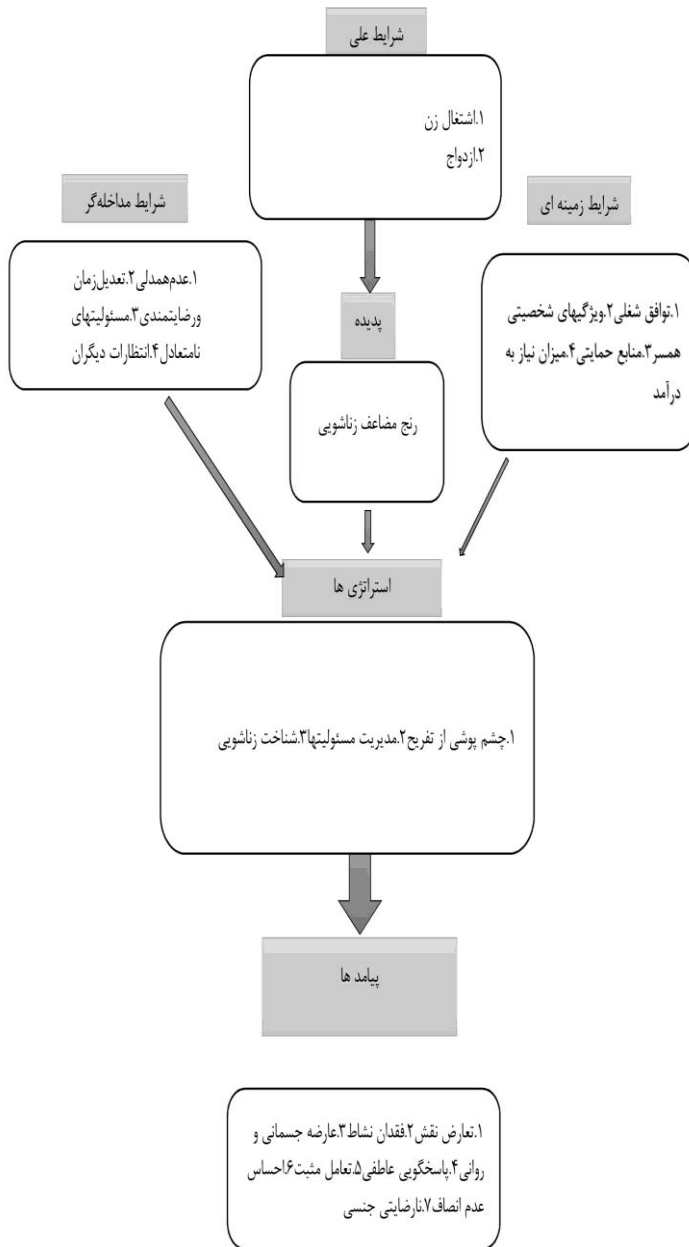
در این فضا بسیاری از زنان با همسران ناسپاسی روبه‌رو بودند که نه تنها قدر زحمت و کوشش آن‌ها را ندانستند، بلکه به‌گونه‌ای ناسپاسی کردند. درمجموع این امر به مشقت دوچندان در زنان شاغل می‌انجامد؛ برای نمونه ن. د. گفت: «این خیلی سخته؛ مثلاً بچه مریض می‌شه، منم صبح یه جلسه کاری مهمی دارم خیلی کارم سنگینه و حتماً باید بیایم سر کار. همسرم می‌گه که خوب نرو سر کار. نمی‌شه که نرم سر کار. انتظار دارم او درک کنه.»

یکی از مشکلات مهمی که زنان شاغل به‌منزله تجربه زیسته خود بیان کردند، ناخشنودی جنسی بود. ازآنجا که زنان شاغل با مجموعه‌ای از فشارهای روانی و جسمانی روبه‌رو هستند، متناسب با این وضعیت دارای خشنودی و ارضای مطلوب نیاز جنسی نیستند؛ این امر خود به ناخشنودی جنسی در آن‌ها می‌انجامد؛ برای نمونه ف. ر. گفت: «با همه این سختی‌ها می‌خواهی بری بخوابی حالا باز یک‌نیاز پیش اومده که دیگه تمایلی به رابطه جنسی نیست.»

یکی از موقعیت‌های چالش برانگیزی که زنان شاغل در آن قرار داشتند،

ناسازگاری نقش‌ها بود. در این حالت فرد در موقعیت تعارض آمیز قرار می‌گیرد که میان خانه‌داری و اشتغال کدام اهمیت بیشتری دارد؛ برای نمونه ن. گ. گفت: «سرسام می‌گیرم؛ هم باید همسر خوبی باشم هم کارمند خوبی. بین چندراهی قرار می‌گیرم که کدام یک از این‌ها مهم‌تر هست؟»

در خانواده‌های هر دو شاغل این احتمال وجود دارد که زن مسئولیت‌های بیشتری را عهده‌دار باشد و در این وضعیت خانواده دچار مسئولیت‌های نامتعادل می‌شود؛ برای نمونه ز. م. گفت: «من باید غذا بپزم، بعد ظرف‌ها را باید بشورم، جارو باید بکنم. شاید با بچه‌ها بریم پارک. بر که می‌گردیم می‌بینم هنوز ظرف‌شویی پر هست.»



نمودار ۱. مدل پارادایمی پژوهش

یکی دیگر از مسائلی که زنان شاغل با آن روبه‌رو بودند، انتظارات دیگران بود. انتظارات نقش مهمی در تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها میان زوج‌ها ایفا می‌کنند؛ به این معنا که واکنش همسر به نبود تقسیم کار احتمالاً بسیار متفاوت خواهد بود؛ اگر او چنین وضعیتی را انتظار داشته باشد یا نداشته باشد. انتظارات واقع‌بینانه یا غیرواقع‌بینانه می‌تواند تأثیراتی مثبت یا منفی در فرایند رابطه زناشویی بگذارد؛ برای نمونه م. ت. گفت: «باید این‌ها را لحاظ می‌کردیم. من الآن خسته‌ام.

نمی‌تونم نیازها رو برآورده کنم. هر نیازی؛ نیاز غذا تا نیاز جنسی و زمانی که نمی‌تونی، دلخوری پیش میاد.»

زنان شاغل به دلیل داشتن مسئولیت‌های فراوان نیاز به مدیریتی دارند تا احساس آرامش بیشتری کنند؛ برای نمونه ن. ش. گفت: «من درقبال شوهرم وظایفی دارم که باید تلاش کنم اون‌ها را حل کنم.»

زنان شاغل در بهزیستی به دلیل اینکه فشار روانی زیادی را تجربه می‌کنند، انتظار دارند از جانب همسرشان توجه و تحسین و حمایت

یکی دیگر از مسائلی که زنان شاغل با آن روبه‌رو بودند، انتظارات دیگران بود. انتظارات نقش مهمی در تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها میان زوج‌ها ایفا می‌کنند؛ به این معنا که واکنش همسر به نبود تقسیم کار احتمالاً بسیار متفاوت خواهد بود؛ اگر او چنین وضعیتی را انتظار داشته باشد یا نداشته باشد. انتظارات واقع‌بینانه یا غیرواقع‌بینانه می‌تواند تأثیراتی مثبت یا منفی در فرایند رابطه زناشویی بگذارد؛ برای نمونه م. ت. گفت: «باید این‌ها را لحاظ می‌کردیم. من الآن خسته‌ام.

بینند. در برخی خانواده‌ها آن‌ها از سوی همسرانشان این پاسخ‌گویی عاطفی را دریافت می‌کنند؛ برای نمونه ف. ه. گفت: «خدایش خیلی خوب درک می‌کند. متوجه می‌شود که من امروز مودم پایین هست، سعی می‌کنم که اون روز زودتر بیاد خونه و دیرتر بره. یه جوری که انرژی بده.» برخی از زوج‌های هر دو شاغل می‌کوشند نقطه‌های مشترک زیادی در رابطه کاری و شغلی خود پیدا کنند؛ همچنین به منظور بهبود رابطه و احساس خشنودی بیشتر به توافق درباره روش صرف درآمدها دست می‌یابند که هر دوی این‌ها به کسب توافق شغلی می‌انجامد؛ برای نمونه ن. ش. گفت: «ما اصلاً من و تویی نداریم. باتوجه به اینکه آقای ما هم هیچ وقت نمی‌گه حقوقت رو چه کار می‌کنی. یا باهم می‌ریم خرید من کارت می‌کشم، خوشش نمیاد می‌گه من خودم می‌کشم. وام مشترک می‌گیریم قسط رو هم باهم می‌دیم.»

ازجمله راهبردهای سودمندی که زنان شاغل از آن بهره می‌گیرند، افزایش شناخت زناشویی است. این شناخت شامل کشف نیازها، جنبه‌های منحصربه‌فرد همسر، چگونگی برقراری تعامل و ارتباط سودمند با همسر است؛ برای نمونه ا. س. گفت: «الآن فهمیدم که همسرم به تفريح نیاز داره.»

برخی از زنان شاغل با کسب مهارت‌ها و توان‌مندسازی خود می‌کوشند تعامل مثبتی با همسر خود برقرار کنند که این خود موجب خشنودی و رضایت بیشتر در رابطه می‌شود؛ برای نمونه ن. گ. گفت: تلاش می‌کنم رابطه خوبی با همسرم برقرار کنم و این خیلی از چالش‌ها و مشکلات را پوشش می‌دهد.»

در پایان زنان شاغل گفتند به‌منظور افزایش سطح خرسندی خانوادگی خود در طول زمان به این نکته دست یافته‌اند که با تعدیل زمان کار می‌توانند این سطح خرسندی را افزایش دهند؛ برای نمونه م. ت. گفت: «به‌خاطر این هست که می‌بینم کار کمتر شده و اوضاع رابطه‌مون هم بهتر شده.»

مدل پارادایمی

در اینجا سعی خواهد شد مقولات پژوهش در قالب مدل پارادایمی ارائه شود. مدل پارادایمی شامل قسمت‌های مختلفی است که عبارت است از: شرایط علی؛ شرایط زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ استراتژی‌ها؛ پیامدها. همچنین، پدیده مرکزی در میانه مدل قرار گرفته است. مقوله مهم‌تر در این پارادایم مقوله مرکزی یعنی رنج مضاعف زناشویی است.

۴ بحث

هدف از این پژوهش درک تجربه زیسته زنان شاغل در بهزیستی از رابطه زن و شوهری بود؛ اینکه گوناگونی نقش‌ها و وظیفه‌ها از یک سو و ارائه خدمات به افراد آسیب‌پذیر و کم‌توان از سوی دیگر برای آن‌ها در رابطه زناشویی چه معنا و مفهومی دارد. نتایج شامل ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درک و تجربه زیسته زنان، مثبت و نیز منفی است؛ اگرچه فرایند کلی تجربه آن‌ها، رنج مضاعف زناشویی را بیان می‌کند. این نتایج با پژوهش ژائو و همکاران همسوست. آن‌ها مشخص کردند اشتغال تأثیری بر خشنودی زناشویی نمی‌گذارد (۱۴). این پژوهش از سوی دیگر با مطالعه یلدریم و اکار که نشان دادند تعارض کار-خانواده متغیری پیش‌بینی‌شده بر خرسندی از زندگی است

(۴)، همسوست. در تبیین یافته‌های این پژوهش برپایه الگوی پارادایمی، کار بانوان و ازدواج شرایط علی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا از زمانی که زنان به‌دلیل تغییرات اجتماعی از نقش خانه‌داری به نقش نان‌آوری خانواده وارد شدند، اگر گوناگونی وظیفه‌ها و مسئولیت‌ها را به‌شیوه درستی مدیریت نکنند و تعادلی بین کار و خانواده نباشد، این امر می‌تواند به دشواری و افزایش فشار روانی در رابطه زناشویی بینجامد.

همچنین یکی دیگر از عامل‌های علی موجود می‌تواند ازدواج زنان شاغل باشد؛ زیرا تا هنگامی که آن‌ها مجرد هستند، نقش‌های زنی متأهل را (ارتباط با همسر، فرزندداری، خانه‌داری) ندارند. بسیاری از آنان گزارش دادند در زمان مجردی با دشواری‌های بسیار کمی روبه‌رو بوده‌اند. این تبیین با یافته‌های فانگ همسوست. او نشان داد، نمره‌های درگیری کار به خانواده بیشتر از درگیری خانوادگی به‌کار است (۸). شرایط زمینه‌ای در این پژوهش عبارت بود از: توافق شغلی؛ ویژگی‌های شخصیتی همسر؛ منابع حمایتی؛ میزان نیاز به درآمد.

همچنین ویژگی‌های شخصیتی همسر و منابع حمایتی ازجمله عامل‌های زمینه‌ای مهم در شکل‌گیری درک تجربه زیسته زنان شاغل است. همسرانی که حمایتگر هستند و شخصیت انعطاف‌پذیری دارند، می‌توانند در رویارویی با چالش‌های رابطه زناشویی یکدیگر را یاری کنند و فشارهای ناشی از گوناگونی وظیفه‌ها و نقش‌ها را کاهش دهند. این تبیین با پژوهش زنجانی و باقیات که نشان دادند میان میزان همکاری و میزان خرسندی بانوان از زندگی زناشویی پیوند معناداری وجود دارد (۱۲)، همسوست. شرایط مداخله‌گر در این پژوهش عبارت بود از: نبود همدلی؛ مسئولیت‌های نامتعادل؛ انتظارات دیگران؛ تعدیل زمان؛ خرسندی. بسیاری از زنان شاغل با همدل‌نبودن همسر خود روبه‌رو هستند. زمانی که آن‌ها به‌دلیل فشارهای کاری و خانوادگی صرفاً از سوی همسرشان نیاز به درک و فهمیده‌شدن دارند، متأسفانه همسرشان با ضعف در این مهارت و درک‌نکردن زن شاغل آسیب‌های رابطه دوتایی را افزایش می‌دهد. این یافته با پژوهش بابائی گیوی و همکارانش که نشان دادند زنان شاغل در دل‌زدگی زناشویی در بُعد روانی با زنان غیرشاغل تفاوت معناداری دارد (۱۸)، همسوست.

از دیگر عامل‌های مداخله‌گر در رابطه زناشویی زنان شاغل، توزیع نابرابر و نامتعادل مسئولیت‌ها است که به احساس ناخشنودی و نارضایتی در زنان شاغل می‌انجامد. این تبیین با پژوهش سایوکن و همکاران همسوست. آن‌ها به بررسی تعارض کار-خانواده و راهبردهای اصلاحی آن پرداختند و نشان دادند که تعارض بین کار-خانواده و محدودیت‌های مرتبط با آن به پریشانی عاطفی و احساسی در خانواده می‌انجامد (۵). انتظارات همسر و اطرافیان می‌تواند به‌منزله عاملی مداخله‌گر فشار روانی و مشکلات رابطه‌ای را بیشتر کند؛ اگرچه تعدیل و کاهش میزان زمان اشتغال می‌تواند سطح رضایت‌مندی و خشنودی از رابطه را افزایش دهد. این تبیین با یافته‌های پژوهش ماتیلان-سانتاندرو و همکاران همسوست. آن‌ها مشخص کردند میان خشنودی از ساعت کاری و تعادل کار-زندگی پیوندی معنادار وجود دارد و ساعت کاری بیش‌ازحد سبب ناخشنودی می‌شود (۱۱).

در تحلیل الگوی پارادایمی پژوهش حاضر مشخص شد، متناسب با

یافته‌های تورلیک و بولیگا که نشان دادند افزایش سطح خشنودی خانوادگی با سطح بیشتری از تعاملات مثبت میان دو نقش کار و خانواده پیوند دارد (۱۳)، همسوست.

در نهایت زنان شاغل در رویارویی با موقعیت‌های علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، پدیده رنج مضاعف زناشویی را تجربه می‌کنند؛ رنج مضاعفی که ازدواج برای زنان شاغل متأهل در بهزیستی از رابطه زناشویی به وجود آورده است. این تبیین با یافته‌های پژوهش یانچوس و همکاران که عنوان کردند اشتغال بر خشنودی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد (۱۶) و نتایج پژوهش عباسی اسفنجیر و امیری موسوی که نشان دادند میان اضطراب کاری و سازگاری زناشویی وابستگی منفی وجود دارد (۱۷)، همسوست.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، اگرچه بعضی از زنان شاغل در مواجهه با چالش‌های اشتغال در رابطه زناشویی از استراتژی‌های مثبت استفاده کرده‌اند که متناسب با آن پیامدهای مثبتی همچون پاسخ‌گویی عاطفی و تعامل مثبت به همراه داشته است، به‌طور کلی نتایج نشان‌دهنده رنج مضاعف زناشویی در جامعه هدف بوده است.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی کارکنان اداره کل بهزیستی استان یزد که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد با کد مصوب ۲۵۶۵۵۳۴ است. در این پژوهش پیش از آغاز مصاحبه درباره مسائل اخلاقی با مصاحبه‌شوندگان گفت‌وگو شد؛ درباره اینکه نام و نشانی از آن‌ها فاش نخواهد شد و همه نام‌ها به صورت مستعار خواهد بود؛ همچنین مصاحبه‌شوندگان حق داشتند به پرسش‌هایی که آن‌ها را معذب می‌کند، پاسخ ندهند؛ به علاوه به آن‌ها اطمینان داده شد کسی جز پژوهشگران مجاز به شنیدن و خواندن مصاحبه‌ها نیست و پس از تحلیل، مصاحبه‌ها از میان برده خواهد شد.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش بدون هرگونه حمایت مالی نهاد یا سازمانی انجام شده است.

راهبردهایی که زنان شاغل به منزله روش مقابله در برابر رنج مضاعف زناشویی به کار می‌برند، پیامدهایی نیز برای آن‌ها به همراه دارد. به دلیل اینکه آن‌ها تحت تأثیر آلام و دردهای مددجویان قرار می‌گیرند، اگرچه رضایتی معنوی از ارائه خدمت دارند در بسیاری از مواقع تحت تأثیر حالت‌های عاطفی و روانی منفی قرار گرفته که این حالت‌ها می‌تواند بر مسائل فردی و زناشویی آن‌ها تأثیرگذار باشد.

بسیاری از زنان گزارش می‌دهند، این وضعیت دشوار منجر به نبود شادابی در رابطه زناشویی آن‌ها شده است که این موضوع می‌تواند به نارضایتی زناشویی ختم شود. این تبیین با پژوهش مرادزاده و پیرخانگی همسوست. آن‌ها نشان دادند، میزان خرسندی زناشویی کارکنان متأهل بهزیستی کم است (۱). همچنین زنان شاغل در بهزیستی با عارضه‌های جسمانی و روانی روبه‌رو بودند. آن‌ها گزارش دادند به دلیل اضطراب همیشگی با مشکلات جسمانی همچون فشارخون و خستگی مفرط جسمانی مواجه هستند. این یافته با نتایج پژوهش اردامار و دمیرل که نشان دادند خستگی فیزیکی و ذهنی در محل کار مسئولیت خانگی را دشوار می‌کند (۷)، همسوست.

ازجمله پیامدهای منفی دیگری که زنان شاغل در بهزیستی تجربه کردند، تعارض نقش بود. اینکه زنان شاغل میان نقش‌های مربوط به همسری و خانه‌داری و همچنین نقش شاغل بودن، باید یکی را انتخاب کنند یا ترجیح با کدام باشد، دچار سردرگمی و تعارض در نقش‌ها می‌شوند. همین حالت‌ها اثرهای مخرب و منفی بر رابطه زناشویی خواهد گذاشت. این تبیین با پژوهش سیتمین و همکاران همسوست. آن‌ها در مطالعه‌ای کیفی به تعارض میان نقش‌های کاری و خانوادگی در میان پدر و مادر دارای فرزند با اختلال اوتیسم پرداختند و نشان دادند که تعادل برقرارکردن میان نقش‌های خانوادگی و نقش‌های شغلی بسیار چالش برانگیز است (۹).

از پیامدهایی بسیار جدی‌ای که زنان شاغل در این پژوهش گزارش دادند، ناخرسندی جنسی بود. آن‌ها به دلیل خستگی و فشار ناشی از کار گرایش کمتری به رابطه جنسی با همسر داشتند. این موضوع ناخنودی را در رابطه زناشویی در پی داشت. این تبیین با نتایج پژوهش فراهانی و همکاران که نشان دادند میان متغیرهای مدت خدمت کاری و ساعت کار و متغیر خشنودی از رابطه جنسی پیوندی معنادار و معکوس است (۱۰)، همسوست. در ادامه تحلیل پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که هرگاه زنان شاغل از راهبردهای مثبت استفاده می‌کنند، طبیعی است که پیامدهای مثبتی نیز دریافت می‌نمایند. از پیامدهای بسیار مهم، دریافت پاسخ عاطفی مناسب و ارضای نیازهای این حوزه است. همچنین برقراری ارتباط و تعامل مثبتی که همسران آن‌ها با زنان شاغل برقرار می‌کنند، ازجمله پیامدهای مثبت دیگر است. این تبیین با

References

- Moradzadeh F, Pirkhaefi A. The effectiveness of acceptance and commitment therapy on marital satisfaction and cognitive flexibility among married employees of the welfare office. Iranian Journal of Psychiatric Nursing. 2018;5(6):1-7. [Persian] doi: [10.21859/ijpn-05061](https://doi.org/10.21859/ijpn-05061)
- Blustein DL. A relational theory of working. Journal of Vocational Behavior. 2011;79(1):1-17. doi: [10.1016/j.jvb.2010.10.004](https://doi.org/10.1016/j.jvb.2010.10.004)
- Vargas OLP, Gómez SP, Ortíz CLS. From conciliation to work-family enrichment in educational institutions. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2015;191:1148-51. doi: [10.1016/j.sbspro.2015.04.503](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.04.503)

4. Yildirim M, Acar A. Influence of the work-family conflict on organizational cynicism and intermediary role of the life satisfaction. *Journal of Yaşar University*. 2018;13(51):267–80. [Turkish]
5. Săucan DȘ, Marhan AM, Micle MI. Exploring work-family conflict and reconciliation in a romanian sample. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2015;187:239–43. doi: [10.1016/j.sbspro.2015.03.045](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.03.045)
6. Xie J, Shi Y, Ma H. Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. *Personality and Individual Differences*. 2017;113:103–8. doi: [10.1016/j.paid.2017.03.021](https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.03.021)
7. Erdamar G, Demirel H. Investigation of work-family, family-work conflict of the teachers. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2014;116:4919–24. doi: [10.1016/j.sbspro.2014.01.1050](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.1050)
8. Fang Y-X. Burnout and work-family conflict among nurses during the preparation for reevaluation of a grade A tertiary hospital. *Chinese Nursing Research*. 2017;4(1):51–5. doi: [10.1016/j.cnre.2017.03.010](https://doi.org/10.1016/j.cnre.2017.03.010)
9. Sitimin SA, Fikry A, Ismail Z, Hussein N. Work-family conflict among working parents of children with autism in Malaysia. *Procedia Computer Science*. 2017;105:345–52. doi: [10.1016/j.procs.2017.01.232](https://doi.org/10.1016/j.procs.2017.01.232)
10. Farahany F, Hekmatpour M, Moghaddam S. The women's occupation effect on their sexual satisfaction in their family. *Journal of Cultural Management*. 2016;9(30):111–22. [Persian] http://jcm.srbiau.ac.ir/article_10160_381f5e3b96af55e35720521a87ed2433.pdf
11. Matilla-Santander N, Lidón-Moyano C, González-Marrón A, Bunch K, Martín-Sánchez JC, Martínez-Sánchez JM. Attitudes toward working conditions: are European Union workers satisfied with their working hours and work-life balance? *Gaceta Sanitaria*. 2019;33(2):162–8. doi: [10.1016/j.gaceta.2017.10.006](https://doi.org/10.1016/j.gaceta.2017.10.006)
12. Zanjani H, Baghiat Esfahani Z. The effect of employment and family life on satisfaction of the female teachers (Case Study: the employed teachers in zone one, Karaj). *Journal of Socio - Cultural Changes*. 2014;10(4):13–31. [Persian] http://journal.aukh.ac.ir/article_527963_0e0b1f23a351ea628faa2b8a53864376.pdf
13. Turliuc MN, Buliga D. Job and family satisfaction and work-family enhancement. mediating processes. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2014;159:115–9. doi: [10.1016/j.sbspro.2014.12.340](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.340)
14. Zhao X (Roy), Qu H, Ghiselli R. Examining the relationship of work–family conflict to job and life satisfaction: A case of hotel sales managers. *International Journal of Hospitality Management*. 2011;30(1):46–54. doi: [10.1016/j.ijhm.2010.04.010](https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2010.04.010)
15. Greenhaus JH, Powell GN. When work and family are allies: A theory of work-family enrichment. *The Academy of Management Review*. 2006;31(1):72–92. doi: <https://doi.org/10.5465/amr.2006.19379625>
16. Yanchus NJ, Eby LT, Lance CE, Drollinger S. The impact of emotional labor on work–family outcomes. *Journal of Vocational Behavior*. 2010;76(1):105–17. doi: [10.1016/j.jvb.2009.05.001](https://doi.org/10.1016/j.jvb.2009.05.001)
17. Abbasi Asfajir AA, Amiri Mousavi SS. Relationship between job stress and marital adjustment and quality of life of female physicians in the Amol city. *Quarterly Journal of Women and Society*. 2018;9(35):271–88. [Persian] http://jzvj.miau.ac.ir/article_3199_e43385bae72ea9666e47b1240fca602d.pdf
18. Babaie Givi R, Nazari AM, Mohsenzadeh F. The comparison of psychological well-being and marital burnout and their dimensions among employed and unemployed women. *Quarterly Journal of Women and Society*. 2015;5(20):71–88. [Persian] http://jzvj.miau.ac.ir/article_687_7539d8b876fd89d8f63c2f134a72ce6c.pdf
19. Glaser BG, Strauss AL. *The Discovery of Grounded Theory: strategies for qualitative research*. New Brunswick: Aldine; 1967.
20. Corbin JM, Strauss AL, Strauss AL. *Basics of Qualitative Research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 3rd ed. Los Angeles, Calif: Sage Publications, Inc; 2008.